

در آینده نزدیک: جنگ یا صلح با آمریکا

گفتگوی روز با هوشنگ امیراحمدی - دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۸۶ [۲۰۰۷.۰۴.۲۳]

دانا شهسواری

dana.shahsavari@gmail.com



ارتباط ایران و آمریکا در سایه پرونده هسته ای ایران و نیز نقش کشورهای منطقه، اعراب و اسرائیل در این جریان، محور بحثی است که با دکتر هوشنگ امیر احمدی داشته ایم. به اعتقاد او "آمریکا اکنون آماده حمله به ایران نیست به همین علت در پی آن است که با شکیبایی مشکل هسته ای ایران را هرچه بیشتر جهانی کند تا ایران منزوی شود". این گفت و گو در پی آمده است.

در بحرانی که دستگیری ملوانان انگلیسی ایجاد کرد برخی معتقد بودند انگلیس شکیبایی بسیاری نشان داد و برعکس آمریکا بسیار ناشکیبا بود و حتی منتظر چراغ سبز انگلیس برای حمله نظامی به ایران بود. نظر شما در این مورد چیست؟

به نظر من آمریکایی ها کلا در قضیه ملوانان سر و صدای زیادی نکردند، هر چند بخشی از شخصیت ها در آمریکا که لابی اسرائیل هستند و دشمنان ایران محسوب می شوند سعی کردند این قضیه را بسیار عمده کنند. اما دولتمردان آمریکا، جز در یکی دو مورد بحث دیگری نداشتند. اما مهم مطبوعات آمریکا است که من چیزی در آنها مبنی بر اینکه باید حمله نظامی به ایران صورت گیرد، ندیدم. البته بخش کوچکی در آمریکا هستند که بر این اعتقادند که از هر بهانه ای باید استفاده کرد و ضربه ای به ایران زد. اما در هر حال سر و صدای آمریکایی ها در این ماجرا، سر و صدای حمله نظامی نبود. در عین حال این را هم باید در نظر داشت که رفتار انگلیسی ها با آمریکاییها یکی نیست. انگلیسی ها صبورتر، زرنگ تر، آرام تر و رفتارشان دیپلماتیک تر است.

به نظر می رسید در بحران ملوانان انگلیسیها ضمن اینکه سعی دارند ایران را به سمت آزادی ملوانان ببرند، از دیگر سو سعی در اداره آمریکا داشتند به نحوی که سر و صدای زیادی بر پا نکند.

آمریکاییها به انگلیسیها گفته بودند شما زیادی ضعف نشان می دهید. انگلیسیها هم در جواب گفتند انگلیس و نه آمریکا نباید روی این جریان، فشار بر ایران را افزایش دهند. لذا بین انگلیس و آمریکا هماهنگی صورت گرفت. در واقع می توان گفت در موقعیت کنونی خط آخر سیاست آمریکا و انگلیس در رابطه با ایران سیاست صبر است. البته آمریکایی ها در رابطه با ایران سیاست صبر دراز مدت تری دارند. چرا؟ چون اکنون آماده حمله به ایران نیستند و لذا می خواهند با شکیبایی مشکل هسته ای ایران را هرچه بیشتر جهانی کنند تا ایران منزوی شود. هدف آمریکا این است که با ادامه این روش هر زمان توان حمله به ایران را یافت، هم ایران به اندازه کافی منزوی شده باشد و هم اینکه دنیا با آمریکا همزبان و همصدا باشد. ببینید آمریکا می توانست این دو قطعنامه آخر ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ را برای ایران بسیار سخت تر کند، اما اگر فشار بیشتری برای تحریم های سخت تر می آورد حتما چند رای را در شورای امنیت از دست می داد. البته سفت و سختی تحریم ها برای آمریکا مهم نبود، برای آنها این مساله مهم بود که همه اعضای شورای امنیت بر علیه ایران رای دهند. از این رو می توان گفت آمریکا در حال پیش بردن سیاست اجماع است نه سیاست تحریم. عدم درک این مساله، مشکل اصلی مسوولان ایرانی است. به نظر من آمریکا قصد دارد یک روزی در آینده با ایران دعوی نظامی داشته باشد، بنابراین تنظیم سیاست دراز مدت اجماع جهانی علیه ایران برای آمریکا بسیار مهم تر از وضع



MITSUBISHI JAPAN

- ELEVATORS
- ESCALATORS
- MOVING WALK
- TRAVATORS
- HOME ELEVATORS

آسانسور و پله برقی میتسوبیشی ژاپن

- برترین در تکنولوژی و سرعت
- برترین در کیفیت
- برترین در خدمات

No15 Shahed Alley,
Sharifi Manesh St.,
Pol-e-roumi, Shariati Ave.,
Tehran 1964957813, Iran
P.O.Box: 19395/3499
www.aratecco.com
Tel:(98 21)260 73 83
Fax: (98 21) 260 28 93

تحریم ها است.

واقعا لابی اسرائیل چقدر در آمریکا نفوذ دارد؟

نفوذ بسیار زیادی دارد. آنها کنگره و کاخ سفید را کاملا در اختیار دارند. لابی اسرائیل به نام اسرائیل لابی نمی کند بلکه به نام و در چارچوب منافع آمریکا، اما برای اسرائیل وارد میدان می شود. به همین علت قدرتمند هستند. این لابی به شدت علیه ایران است و اصولا در بیست سال گذشته بخاطر ایران و بر سر مساله ایران شکل گرفته و علت وجودی آن، ایران است. اگر مشکل رابطه ایران و آمریکا حل شود، معلوم نیست این لابی دیگر چه خواهد کرد.

یعنی موجودیت این لابی در صورت برقراری رابطه بین ایران و آمریکا در خطر قرار خواهد گرفت؟

بله، قدرت آنها صد در صد کاهش خواهد یافت. یعنی اصولا علت وجودی آنها دیگر از بین خواهد رفت.

آن سیاست دراز مدت آمریکایی ها که اشاره کردید تا چه زمانی است؟ آیا در دولت بوش باید چه سرانجام برسد؟

من فکر می کنم قبل از اینکه دولت بوش برود یا باید با ایران به مصالحه ای برسد و یا اینکه جریان ایران را به شکلی پیچیده، غامض و خراب کند که دولت بعدی اگر هم دموکرات باشد نتواند به سادگی آن را حل کند. برنامه بوش این است که با قدرت مساله ایران را حل کند، اما اگر نتوانست به پیچیده شدن این مساله کمک می کند. حتی ممکن است حمله هوایی محدودی به ایران صورت گیرد. به همین دلیل ایرانی ها باید با این فرض حرکت کنند که تا یک سال و نیم آینده برخوردی نظامی با آمریکا خواهند داشت. اگر این برخورد صورت نگیرد البته بسیار عالی است، اما متأسفانه داده ها حکایت از این دارد که احتمال برخورد به اندازه احتمال عدم برخورد است.

یعنی به نظر شما آمریکا تصمیم را گرفته و تنها زمانش هنوز تعیین نشده است؟

بله. اما به نظر من در حال حاضر آمریکا هم آماده صلح است و هم آماده جنگ. این آمادگی از انتخابات نوامبر گذشته وجود داشت. در واقع انتخابات نوامبر و پیروزی دموکرات ها سبب شد دست راستی های آمریکا گمان کنند در نتیجه ضعیف شدن جمهوری خواهان شاید دیگر نتوانند ضربه ای به آمریکا بزنند، بنابراین یک دوراهی برای ایران ایجاد کردند تا ایران یکی از این دو را انتخاب کند. اکنون این دوراهی ایجاد شده است. ایران و آمریکا در آینده نزدیک یا باید جنگ کند یا صلح. اکنون دیگر سیاست نه جنگ، نه صلح کار نمی کند.

شما دیدار آقای عراقچی و خلیل زاد را در بغداد و احتمالا دیدارهایی در کنفرانس شرم الشیخ را در همین راستا ارزیابی می کنید؟

بله، من اعتقاد دارم هنوز آمریکایی ها در موقعیتی هستند که اگر ایران بر سر غنی سازی به یک سازش معقول ملی دست یابد، مجبور می شوند بر سر مسایل دیگر هم با ایران پشت میز مذاکره بنشینند و جریان یک گفتگو در جهت صلح را به پیش ببرند.

دموکراتها با سیاست جدید بوش هماهنگی دارند؟

این هماهنگی بسیار زیاد است. به نظر من در آمریکا خط کشی بر علیه ایران حزبی نیست هم در درون دموکراتها و هم در درون جمهوریخواهان افرادی هستند که دوست دارند با ایران بجنگند و افرادی هم هستند که اصلا تمایلی به جنگیدن با ایران ندارند.

دیدار خانم پلوسی با توجه به نزدیکی و هم پیمانی ایران و سوریه را چگونه ارزیابی می کنید؟ دولت با این سفر مخالف بود اما به نظر می رسد این فقط ظاهر قضیه بود.

اولا من دیگر سوریه را متحد ایران نمی دانم. سوریه یک متحد فرصت طلب بود. سوریه به دنبال این است که مشکل خود را با اسرائیل حل کند، نه مشکل ایران را با آمریکا.

به نظر من سوریه ها هیچ علاقه ای ندارند که بین ایران و آمریکا هیچ نوع رابطه و صلحی برقرار شود. برای اینکه در این صورت سوریه ها بسیار تنها می شوند. از این رو استراتژی

سوري ها اين است که قبل از اینکه ايران و آمريکا به هم نزديک شوند بتوانند به اسراييل نزديک شوند. اکنون تمام مشکل سوري ها، بلندي هاي جولان است. اگر سوريه تنها یک قسمت از جولان را بگيرد تمام مشکلتش با اسراييل حل مي شود. از اين رو سفر پلوسي به سوريه اصلا پيام خوبي براي ايران نداشت. به نظر من هرگز بشار اسد پيشنهاده نداده است که ميانجي ارتباط بين ايران و آمريکا شود. ضمن آنکه اسراييل هم مثل سوريه آماده برقراري رابطه و لذا پس دادن بخشي از بلنديهاي جولان است.

بعضي از تحليل گران در مورد رفتار ايران در ارتباط با بازداشت ملوانان انگليسي معتقدند ايران اين پيام را داد که آماده جنگ است. ارزيابي شما چيست؟

من چنين اعتقادي ندارم. تمام ايران نظر واحدي در اين باره نداشتند. بيشتر نيروهاي محافظه کار اين ماجرا را اداره کردند. خط کشي بين نيروهاي طرفدار دموکراسي و محافظه کار که در طول ۱۰ سال گذشته وجود داشته، اکنون جاي خود را به خط کشي جديدي داده است. خط کشي بين نيروهاي طرفدار عادي سازي روابط و نيروهاي طرفدار تنش آفريني. به اعتقاد من کسانی که ملوانان انگليسي را بازداشت کردند از جمله نيروهاي تنش آفرين هستند. اينها معتقدند که بايد با آمريکا، انگليس و ديگران با قلدري حرف زد. اينها مي گویند اگر مجبور به جنگ شدیم بايد جنگ کنیم. اينها دنبال صدور اصول انقلاب خود هستند. تفکر اين نيرو، تفکر انقلابي، راديکال و مذهبي است. بنابراین من با اين مساله که ملوانان را دستگير کردند تا اعلام جنگ کنند تا حدودي موافقم اما به نظر من، دستگيري ملوانان دقيقاً در راستاي ايجاد تنش بود.

شايد دنبال یک فرصت تايم اوت بودند؟

بله، احتمال دارد. از سوي ديگر هم به نظر من دليل ديگر دستگيري ملوانان اين بود که قصد داشتند توجه عموم را در داخل از قطعنامه ۱۷۴۷ به طرف اين جريان منحرف کنند.

چرا؟ چه هدفی را در اين انحراف جستجو مي کردند؟

نيروبي در ايران وجود دارد که طرفدار عادي سازي وضعيت است. اين نيرو آماده بود که پس از صدور قطعنامه ۱۷۴۷ حمله مطبوعاتي بسيار وسيعي را بر عليه احمدي نژاد کلید بزنند. جريان ملوانان افراد طرفدار عادي سازي وضعيت را خلع سلاح کرد. جريان ملوانان سبب شد بحث ها به جاي ديگري کشيده شود. به نظر من اگر ملوانان نبودند بحث ها به جاهاي ديگري کشيده مي شد. از اين رو به نظر من جريان ملوانان مصرف داخلي داشت و منجر به خلع سلاح نيروهاي طرفدار عادي سازي شد.

منظور شما از نيروهاي طرفدار عادي سازي، اصلاح طلبان است؟

بله، نيروهايي مثل مشارکت، کارگزاران، خاتمي، کرويبي و نيروهاي طرفدار آنها به دنبال عادي سازي و دموکراسي هستند اما در مقابل نيروهايي مثل احمدي نژاد، مصباح يزدي، بسيج، انصار، بخشي از سپاه و... به نظر من تنش آفريني مي کنند. اين خط کشي هنوز هم بين دموکراتها و غير دموکراتها است. اما نيروهايي که اکنون وارد جريان عادي سازي شدند همه لزوماً به دموکراسي اعتقاد ندارند. مثل آقاي هاشمي که اکنون با دموکراسي خواهان در یک جبهه است اما نه براي دموکراسي بلکه براي عادي سازي.

يعني یک اتحاد تاکتيکی؟

اين اتحاد، از اساس تاکتيکی است اما سر مساله عادي سازي، استراتژيک است. به اين معنا که در تحليل نهايي اين افراد و نيروها در یکجا قرار ندارند.

به نظر شما اگر نيروهاي محافظه کار در ايران در موقعيت گفت وگو با آمريکا قرار گيرند حاضرند اين ارتباط را بنام خود تمام کنند؟

به نظر من مادامي که دعوا بين نيروهاي طرفدار عادي سازي و طرفداران تنش آفريني [اصلاح طلبان و محافظه کاران] در ايران به نتيجه اي نرسیده باشد آمريکا با هيچکدام مذاکره نخواهد کرد. به نظر من اکنون در ايران، حداقل يکي از اين دو نيرو بايد بطور ايدئولوژيک برنده شود. آمريکا اکنون با جناح اصلاح طلب مذاکره نمي کند چون قدرت ندارد. از طرفي آمريکا جناح محافظه کار را نيز براي مذاکره قبول ندارد؛ لذا منتظر است تا دعوا بين طرفداران عادي سازي و طرفداران تنش آفريني پايان يابد.

علاوه بر سفر خانم پلوسی به سوریه و تلاش و برای دور کردن سوریه از ایران، دو نشست دیگر در اسلام آباد پاکستان و نیز عربستان با حضور سران کشورهای همسایه ایران و کشورهای عربی تشکیل شد. ایران علی رغم درخواست احمدی نژاد برای حضور در نشست عربستان به هیچکدام دعوت نشد. ارزیابی شما از این مساله و مواضع کشور های همسایه ایران و اعراب چیست؟ در راستای همگرایی بر علیه ایران است؟

بله، حتی وسیع تر از این هم هست. در پی انقلاب ایران اتفاقی رخ داد که توجه کمی به آن شد. قبل از انقلاب، دولت ایران به دنبال اقتصاد و نزدیکی به دنیا و ارتباط متقابل بود. در آن زمان اعراب کجا بودند؟ اعراب دهه ۱۹۷۰ کجا قرار داشتند؟ دقیقاً نقطه مقابل ایران. اعراب با آمریکا، اسرائیل و... دعوا داشتند. متهم به تروریسم بودند... اما بعد از انقلاب، جابجایی کاملی بین جایگاه اعراب و ایران اتفاق افتاده است. یعنی اعراب امروز در جایگاه ایران ۱۹۷۰ قرار دارند و ایران امروز در جایگاه اعراب ۱۹۷۰. یعنی اکنون ما با اتهاماتی همچون جنگ طلبی، تروریسم، طرفداری از نیروهای انقلابی منطقه و... مواجه هستیم. یعنی اکنون دیگر ما دنبال اقتصاد نیستیم با سیاسی گری و نظامی گری در جهت تجزیه جهانی فکر و عمل می کنیم. اعراب به سرعت دنبال ارتباط با دنیا هستند. اما اعراب هر چه که بیشتر دنبال اقتصاد رفتند، نفوذ سرمایه ها و شخصیت های یهودی در دنیای عرب و آمریکا افزایش یافته است. این نزدیکی اقتصادی به نزدیکی سیاسی اعراب، آمریکا و اسرائیل با یکدیگر منتهی شده است. بنابراین نه تنها دنیای عرب در مقابل ایران قرار می گیرد بلکه حتی اعراب در حال هماهنگی و قرار گرفتن در کنار اسرائیل هستند. اکنون این همراهی دلایل قوی اقتصادی دارد. اکنون حدود یک ربع قرن است که دیگر هیچ دولت عرب با اسرائیل وارد جنگ نشده است. حماس، حزب الله و نیروهای خیابانی که دولت رسمی عربی نیستند. ما اکنون چیزی به نام دعوی اعراب و اسرائیل در سطح دولتها نداریم. اصلاً دعوی اعراب و اسرائیل تمام شد و رفت.

آیا ادامه این روند به پایان دعوی اعراب با اسرائیل منجر خواهد شد؟

بله، اما نه به این سادگی و زودی. مگر اینکه مساله فلسطین حل شود. دعوی اعراب و اسرائیل تمام شده است. دیگر هیچوقت اعراب و اسرائیل به عنوان دولت با هم جنگی نخواهند داشت. اما جنگی که هنوز باقی مانده است جنگ مردم عادی با اسرائیل است. این جنگ مادامی که مساله فلسطینی ها با اسرائیل حل نشده است ادامه خواهد یافت. از این رو به نظر من دعوی که مانده است دعوی اسرائیل و فلسطین است نه دعوی اسرائیل و عرب. این دعوا کوچک تر و مشخص تر است. به همین دلیل هم بسیار آسانتر می توان به حل آن اقدام کرد. به اعتقاد من حماس و اسرائیل در آینده نزدیک می پذیرند که با هم مذاکره کنند. حتی به نظر من حماس موضع فتح را هم در مورد فلسطین می پذیرد. سورپرایز بزرگی که ایران بر سر راه خود دارد این است که حماس و اسرائیل با یکدیگر بسازند. به نظر من این اتفاق به زودی محقق خواهد شد.

این اتفاقی است که شاید در میان نیروهای محافظه کار و اصلاح طلب ایرانی تحقق نیابد!

نه. این نیروها عقب ماندند و در آینده هم غافلگیر خواهند شد. نیروهای محافظه کار در ایران در صورت نزدیکی حماس به اسرائیل شوکه می شوند. سوریه و اسرائیل هم به یکدیگر نزدیک می شوند. سفر خانم پلوسی به سوریه در همین ارتباط بود. اسرائیل آماده است بلندی های جولان را به سوریه بازگرداند. حرف پلوسی به بشار اسد این بود که سوریه چقدر از بلندی های جولان را پس بگیرد و در مقابل اسرائیل را به رسمیت بشناسد. اکنون سوریه روی مقدار این زمینها در حال مذاکره است و روی به رسمیت شناختن اسرائیل بحثی ندارد. این شوک دوم بر محافظه کاران ایران خواهد بود.

بر اساس تحلیل شما می توان گفت نیروی جدیدی شکل گرفته است. یعنی پس از اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و چین اکنون اتحادیه عرب نیز در حال اتخاذ موضعی تعیین کننده در ارتباط با پرونده هسته ای ایران است. شما چه برداشتی از تاثیر گذاری اعراب دارید؟ آمریکا سیاست چند لبه و پیچیده ای را در مورد ایران اتخاذ کرده است. یکی اینکه قصد دارد ایران را در سطح بین المللی ایزوله کند و در راستای این ایزوله کردن در حال شکل دادن به یک اجماع بین المللی علیه ایران است. اعراب و همسایگان ایران را هم در راستای مخالفت با ایران متحد می کند. همچنین آمریکا سیاستهای دو جانبه ای را علیه ایران در پیش گرفته است. مثلاً سازمان ملل ایران را تحریم می کند و از آن طرف آمریکا بر شدت این تحریم ها می افزاید

و با فشار به بانک های دنیا خواستار قطع ارتباط مالی با بانک های ایران می شود. یا مثلاً "سیا" به گروه جندالله تحت رهبری عبدالمالک ریگی در بلوچستان کمک می کند تا در ایران بی ثباتی ایجاد کند. به اعتقاد من در وضعیت سوم، آمریکا در حال پیش بردن برنامه و دیپلماسی زور است. یعنی هم خواستار مذاکره است و هم آماده جنگ.

یعنی همان چماق و هویج؟

نه، فراتر از آن است. شاید بتوان گفت سیاست یک هویج با چماق های فراوان. اکنون آمریکا هویج بزرگی به ایران نمی دهد. زمانی آمریکایی ها و اروپایی ها پکیج تشویقی بزرگی به ایران دادند. ایران آن بسته مشوق ها را نپذیرفت و قطعنامه صادر شد. اکنون دیگر آن بسته پیشنهادی هم مطرح نیست. فرمول جدید توقف تحریم ها در قبال توقف غنی سازی است. یعنی ایران هیچ چیزی بدست نخواهد آورد. اکنون تعلیق تحریم در قبال تعلیق غنی سازی است در حالی که یک سال قبل به ایران می گفتند شما تعلیق کنید ما همه مشوق های صنعتی و اقتصادی را به شما می دهیم. یعنی ایران اکنون در این دعوا باخت است. ایران با این فرصت سوزی ها و... نهایتاً با توجه به فشارهایی که وارد می شود مجبور می شود یا جنگ کند و هزینه بسیار زیادی بدهد و یا اینکه همه چیز را بپذیرد.

بازگشت به صفحه اول